

# میررس شهری

شماره ۳۹ تابستان ۹۴

No.39 Summer 2015

۴۰۷-۴۲۸

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۸

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۷

## تحلیلی بر ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه های عمومی شهری

منصور یگانه\* - استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
محمد رضا بمانیان - استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### Analysis of the continuity of the masses and public space in the city

#### Abstract

The objective of this paper is to examine the coherence and consistency of the masses and the public space in urban areas. The continuity and integrity of one of the main criteria is the quality of urban spaces. Mainly indigenous and traditional spaces such quality criteria. The paper claims that now, both practical and theoretical areas of urban and environmental design associated with the main challenges are in the field. The result is that, in theory, theoretical approaches to this issue and no recall was necessary in practice, many urban areas lack the coherence and cohesion is necessary. The present article is a phenomenological approach - psychological, the continuity and coherence of urban public spaces and buildings studied and integration criteria of the urban public spaces is investigated. Phenomenological approach, limited to the study of urban public spaces according to their specific circumstances regardless of causal factors were; The psychological approach, the role of public perception and understanding of the continuity of the building and the city's public spaces of the city; In this conjunction buildings and public spaces in the city, a function of the continuity of physical space, spatial, social activity, and symbolic introduced.

**Keywords:** coherence, totality, of continuity, continuity standards, the building and the city, subjective and objective.

#### چکیده

موضوع این مقاله، بررسی ابعاد پیوستگی و انسجام توده و فضا در عرصه های عمومی شهری است. داشتن پیوستگی و انسجام یکی از اصلی ترین معیارهای کیفیت فضاهای شهری محسوب می شود. فضاهای سنتی و بومی عمدتاً واجد چنین کیفیتی بودند. مدعای این مقاله آن است که در حال حاضر، هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ نظری فضاهای شهری و علوم مرتبط با طراحی محیطی در این زمینه دچار چالش های اساسی هستند. نتیجه آن که به لحاظ نظری، رویکردهای نظری نسبت به این موضوع فاقد جامعیت لازم بوده و در عمل، اکثر فضاهای شهری فاقد پیوستگی و انسجام لازم می باشند. نوشتار حاضر با رویکردی پدیدارشنختی - روان شناختی، موضوع پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی شهری را مورد مطالعه قرار داده و معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری را بررسی نموده است. با رویکرد پدیدارشنختی، مطالعه صرفی محدود به وضعیت فضاهای عمومی شهری با توجه به شرایط خاص آنها فارغ از عوامل علی گردیده است. با رویکرد روان شناختی، نقش مردم در ادراک و شناخت پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مطالعه شده است. در این مقاله پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری، تابعی از پیوستگی فضا در ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی-فعالیتی، و نمادین معرفی شده است.

**واژگان کلیدی:** انسجام، کلیت، ابعاد پیوستگی، معیارهای پیوستگی، ساختمان و شهر، عینیت و ذهنیت.

## مقدمه

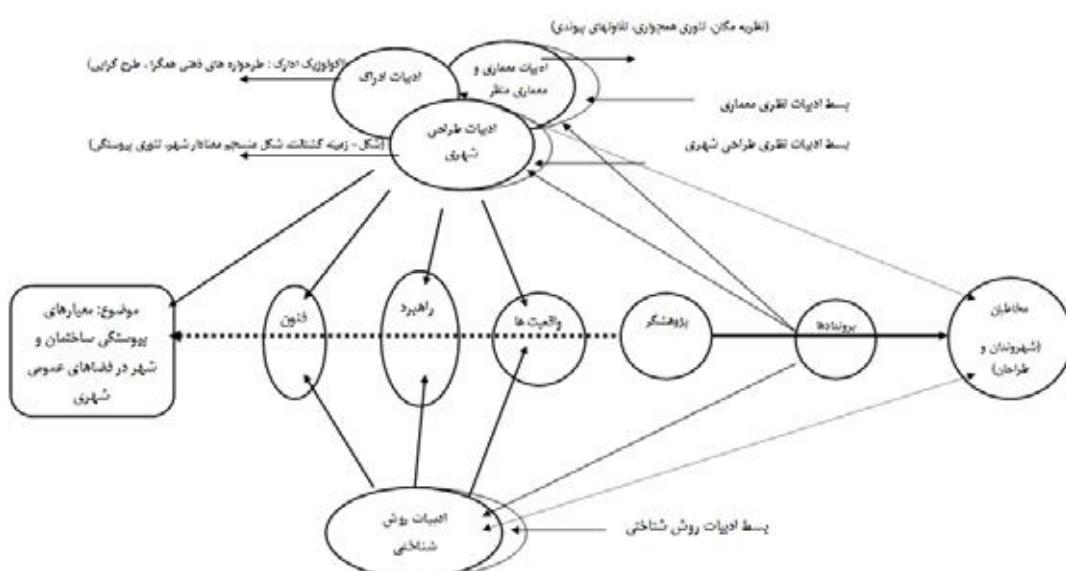
و قابلیت تصویربرداری ذهنی آسان از آنهاست. برای ایجاد چنین کیفیاتی نباید بر عناصر یا عملکرد به تنهایی تکیه کرد، بلکه باید شکل و محتوا همراه باهم در ایجاد آن دخالت نمایند. در رویکردها و نظریههای مرتبط، اغلب تاکید بر برخی از بعد از شده و به بعد دیگر پیوستگی کمتر توجه شده است. موضوع عدم توجه به تمامی بعد پیوستگی در عمل بیشتر به چشم می خورد و فضاهای شکل گرفته، به ندرت هم زمان دارای پیوستگی در تمامی بعد می باشد. در این مقاله با فراتحلیل رویکردهای مختلف مرتبط با موضوع پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی شهری، بعد و معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس، ابتدا مسئله دار بودن فضاهای عمومی شهری به لحاظ عدم پیوستگی و انسجام مطرح شده است. مصاديق و شواهدی بر این مدعای ارائه شده و عوامل بروز چنین وضعیتی بررسی شده است. سپس مفهوم پیوستگی و پیوستگی فضاهای عمومی شهری بررسی شده، و در ادامه بعد پیوستگی و معیارهای آن به عنوان یکی از اصلی ترین معیارهای مطلوبیت و کیفیت مندی فضاهای عمومی شهری مورد مطالعه قرار گرفته است.

کیفیت، یکی از مفاهیم محوری در حرفه طراحی محیط است که هم به لحاظ نظری و هم عملی از اهمیت زیادی برخوردار است (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). به عبارتی، علاوه بر اهمیت نظری، به واسطه بحران کیفیت که در حال حاضر بیشتر محیط‌های شهری در ایران با آن مواجه‌اند، مبحث کیفیت از نظر عملی نیز به یکی از مباحث‌های جدی برای تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، طراحان، مجریان و استفاده‌کنندگان محیط‌های شهری تبدیل شده است. معیارهای متعددی توسط متخصصین مسائل شهری برای کیفیت‌مندی فضاهای در عرصه شهرها ارائه شده است. در همه این نظریات به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به موضوع «پیوستگی» به عنوان یکی از معیارهای مطلوبیت فضاهای شهری اشاره شده است. طبق مفاهیم مرتبط با پیوستگی و انسجام، شهر یک کلیت مادی است که توسط اذهان یا شعورهای انسانی ساکن در آن ادراک می‌شود. ایجاد انتظام ذهنی برای درک کلیت فوق ضرورت دارد. آنچه از واقعیت کلیت اهمیت پیدا می‌کند، وجود تصویری خوانا، داشتن الگوهای قابل تشخیص از بلوک‌ها و فضاهای شهری

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۰۸



نمودار ۱. نمودار تحقیق بر مبنای ادبیات نظری و ادبیات روش شناختی

## روش‌شناسی

رویکرد غالب پژوهش حاضر روان‌شناختی است، هر چند از رویکردهای دیگر به ویژه رویکرد پدیدارشناختی در آن استفاده شده است. با رویکرد پدیدارشناختی مطالعه صرفاً محدود به وضعیت فضاهای عمومی شهری با توجه به شرایط خاص آنها، فارغ از عوامل علی گردیده است. بر اساس این رویکرد، به فضاهای موردنظر آنچنان‌چه هستند، نگریسته می‌شود نه از منظر علت‌ها و عوامل به وجود آورنده آنها. با رویکرد روان‌شناختی، نقش مردم در ادراک و شناخت پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش بر مبنای طبقهبندی انواع پژوهش، بر حسب اهدافش در زمرة مطالعات توصیفی و تبیینی است. بر مبنای روش پژوهش، استقرائی است. از لحاظ نتایج در زمرة مطالعات کاربردی است. طبق فرایند پژوهش کیفی و کمی است. روش گردآوری شواهد آن، رجوع به اسناد و متون علمی است. شیوه تحلیل در این مقاله تحلیل کیفی و استدلال منطقی است. نمودار تحقیق و چارچوب روش‌شناختی آن در نمودار شماره طبق نمودار شماره یک می‌باشد. این نمودار شامل دو بخش کل کلی است، بخش ادبیات نظری و بخش ادبیات روش‌شناختی.

## پیشینه و مبانی نظری پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی شهری

«پیوستگی و انسجام» فضاهای عمومی شهری همواره به عنوان یک معیار اساسی در مطلوبیت و کیفیت فضاهای شهری مطرح بوده است. در وضعیت فعلی، شکل و منظر شهرها دستخوش دگرگونی‌هایی شده که با قواعد پیشین حاکم بر آنها همخوانی ندارد. اهم عوامل این ناهمخوانی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: عدم فهم درست از شکل منسجم و لزوم شکل‌گیری آن، کثرت ضوابط ساخت و ساز، پیروی از قواعد غیرخودی، عدم اعتقاد به سازگاری قواعد فضاهای شهری با منافع و نیازهای زمان حاضر، بی‌توجهی به قواعد شکل شهرهای گذشته، تلقی از شهر به عنوان انباشتی از ساختارهای مستقل

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۰۹

همجوار، تغییر شکل بسیار سریع شهر، تلقی معماران و شهرسازان از شهر به عنوان شکل هندسی ساده، و کاهش هماهنگی بین طراحان که به بروز چندگانگی ساختاری در شهر می‌انجامد (تولایی، ۱۳۷۹). در پی این ناهمخوانی، قواعد ساختار فضایی، رابطه توده و فضا، همگرایی روابط فضایی داخلی و خارجی، همگرایی از طریق مرکزیت، همگرایی فضاهای شهری با عوامل طبیعی و با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، و همگرایی کل‌ها در مقیاس خرد و کلان دگرگون شده و انسجام فضاهای شهری از هم گسیخته است. یکی از مصادیق این دگرگونی‌ها، از بین رفتتن انسجام فضاهای شهری و مختل شدن پیوستگی ساختمان و شهر و همچنین اغتشاش در ناماها و منظر شهری است.

«آنا گرین» (Green, ۲۰۰۶) در رساله دکتری خود با عنوان انکشاف تیپولوژیها، تراکم و کیفیت فضای تأثیر توسعه برونزا و تراکم زیاد را بر کیفیت فضای شهری بررسی کرده است. فرضیه این رساله این است که تراکم زیاد خانه‌های مسکونی بر کیفیت فضاهای عمومی شهری اضافه می‌کند و همچنین باعث تقویت روح مکان می‌شود. این رساله در چهار منطقه مورد مطالعه در افریقای جنوبی به این نتیجه رسیده است که تراکم زیاد روح مکان را در فضاهای عمومی شهری افزایش می‌دهد. بر اساس مبانی نظری معماري و طراحی شهری در این زمینه و همچنین دانش محتوایی نگارنده، به نظر نمی‌رسد این موضوع در همه مکانها و فضاهای عمومی صادق باشد و با توجه به ویژگیهای مکان مورد مطالعه، فرهنگ، مشخصه‌های کالبدی، فضایی، فعالیتی- اجتماعی و معنایی مکان، معیارهای مطلوبیت و کیفیت فضاهای عمومی شهری متفاوت است. با توجه به اینکه رساله یاد شده با تاکید بر نقش ساختمانها و میزان تراکم آنها، معیارهای کیفیت فضاهای عمومی شهری را مطالعه کرده است و رساله حاضر نیز در خیابان ولیعصر به عنوان یکی از بخش‌های مترکم و با ازدحام شهر تهران با تاکید بر نقش پیوستگی ساختمان و شهر در کیفیت و انسجام فضاهای عمومی شهری انجام می‌گیرد؛ مقایسه نتایج می‌تواند

را بر اساس تولید توده‌ها دنبال می‌کند و بیشتر طراحان شهری تولید فضاهای عمومی شهری را با شکل‌گیری فضا شروع می‌کند. با توجه به اینکه در صدد بررسی تفاوت رویکردهای معماران و طراحان شهری به مقوله طراحی فضاهای عمومی پیوسته و منسجم شهری بر اساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است، نتایج رساله یادشده می‌تواند در زمینه چگونگی نزدیک ساختن دیدگاه‌ها و رویکردهای معماران و طراحان شهری در خصوص معیارهای ارزیابی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری کمک شایانی نماید.

«جین هوانگ چون» (Chon, ۲۰۰۴) در دانشگاه تگزاس در رساله دکتری خود با عنوان پاسخهای زیباشناختی به کرویدورهای پیوسته شهری، مفهوم پیوستگی دسترسی و بصری را در فضاهای عمومی شهری بررسی کرده است. این رساله بر موضوع محوری طراحی محیط و به خصوص طراحی منظر تاکید دارد. این مطالعه تاکید اصلی خود را بر مفهوم «دلپسند بودن» محیط قرار داده است. این مفهوم به دنبال کارهای پروفسور لینچ در تصور ذهنی از شهر یا سیمای شهر، در ادبیات تخصصی مربوطه مطرح شده است. نویسنده در این مطالعه به دنبال سنجش این مفهوم در دو سبز راه شهری در شهر تگزاس بوده است. وزن اصلی تحلیل مطالعه بر تکنیک‌های شبیه‌سازی محیط می‌باشد. نویسنده برای این منظور از شاخص‌های متفاوتی نسبت به سنجش مفهوم میزان دلپسندی محیطی و نوع تجربه و برخورد زیبایی‌شناسی صورت گرفته توسط ۶ گروه مخاطب تحقیق استفاده کرده و برای دستیابی به هدف خود یک مدل دو سطحی شامل سطح تحلیل شناخت ادراکی و سطح تحلیل شناخت ظاهری را رائه کرده است. میزان کنترل بر محیط، میزان تمایز یک محیط نسبت به دیگری، طبیعی بودن آن و میزان رضایت بخشی محیط در کنار محرک بودن محیط از محورهای سنجش بازخورد صورت گرفته نسبت به محیط می‌باشد. استفاده از تئوریهای ادراکی محیطی، رویکرد چند رشته‌ای به موضوع و استفاده از تستهای

نکات ارزشمندی را در اختیار قرار دهد.  
«فیراس الدوری» در رساله دکتری خود (Al-Douri, ۲۰۰۶) با عنوان تأثیر کاربرد مدل‌های دیجیتال سه بعدی شهری بر پروژه‌های طراحی شهری، بر جایگاه مدل‌های کامپیوتری و به خصوص مدل‌های سه بعدی در برنامه‌ها یا پروژه‌های طراحی شهری می‌پردازد. ایشان در این تحقیق به دنبال بررسی این دو موضوع محوری می‌باشد:

الف) بررسی اثرات تهیه مدل‌های سه بعدی شهری بر کیفیّت پروژه‌های طراحی شهری در امریکا؛

ب) بررسی قابلیت مدل‌های نوین سه بعدی و طراحی شهری بر اساس مدل‌های نسبت روش‌های مرسوم پیشین. محقق در ابتدا با مروری بر ادبیات تخصصی مربوطه، شاخصها و معیارهای خود را با ویژگی‌های منتخب انطباق پذیر با مدل‌های سه بعدی تطبیق داده و سپس از روش‌های تحلیل محتوا پروژه‌های طراحی شهری و پرسشنامه برای رسیدن به مقصد استفاده کرده است. محقق به این نتیجه رسیده است که استفاده از مدل‌های طراحی شهری علاوه بر ایجاد فضاهای با کیفیّت و منسجم، امکان همکاری و تعامل بین معماران و شهرسازان را فراهم کرده و منجر به بهبود کیفیّت پروژه‌های معماری و شهرسازی می‌شود. این رساله از دو بُعد با پژوهش حاضر مرتبط می‌شود، اول در بُعد ایجاد فضاهای با کیفیّت عمومی شهری و معیارهای شکل دهنده آن و دوم ارتباط منطقی و مناسب معماران و طراحان شهری در طراحی و ایجاد فضاهای عمومی شهری با کیفیّت.

«پیتر پول ون لوون» (Van, ۱۹۹۸) در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی بین سازمانی؛ رویکرد جدید به تیم طراحی در معماری و شهرسازی»، رویکردهای معماران و طراحان شهری به طراحی معماری و شهرسازی را مورد بررسی قرار داده و رویکرد جدیدی جهت انجام کارگروهی بین معماران و طراحان شهری به منظور طراحی فضاهای منسجم شهری ارائه کرده است. نتایج این رساله نشان می‌دهد که معماران بیشتر به مقوله توده اهمیّت می‌دهند و ایجاد فضاهای عمومی شهری

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱۱

بر نمایانی شهر تاثیر می‌گذارند، پرداخته است. لینج در مطالعات بعدی خود، به خصوص در کتاب «شكل خوب شهر» سعی کرده است این نقیصه را بر طرف نماید. از لحاظ روش شناسی نقدی که بر پژوهش لینج می‌توان داشت این است که، دامنه مصاحبه شوندگان محدود به یک گروه اجتماعی خاص بوده است. تعداد مصاحبه شوندگان به انسازهای نبوده است، که بتوان به کل افراد تعییم داد. ضمن اینکه مصاحبه-شوندگان مدت زمان زیادی در آن مکانها سکونت داشته و در طول زمان به محیط عادت کرده‌اند. عوامل ایجاد کننده حسن پیوستگی فضاهای تبیین نشده است و صرفاً بیان شده این قسمت پیوسته حسن گردیده یا نه. زمینه‌های فکری و موقعیت‌های اجتماعی افراد متنوع نبوده است. مکان‌های انتخاب شده، به گونه‌ای بوده است که متعلق به یک صنف یا حرفه خاص بوده و تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها را نداشته است. نقش تغییرات محیط در تغییر تصور مردم باید برسی شود. «توبین تولایی» در رساله دکتری خود با عنوان شکل شهر منسجم، رویکردها و نظریات مختلف در مورد شکل شهر منسجم را دسته‌بندی و مطالعه نموده است. این تحقیق صرفاً نتایج رویکردهای مختلف در مورد شکل منسجم شهر را فراتحلیل نموده و نسبت به ارائه تعریفی از شکل منسجم شهر اکتفاء نموده است. نقاط ضعف این رساله را می‌توان در عدم پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و نمادین انسجام شکل شهرها و فضاهای شهری و همچنین عدم پرداختن به سطح تجربی پیوستگی دانست. «محبود توسلی» در مجموعه تحقیقات و نوشتارهای خود در خصوص چگونگی پیوستگی فضاهای شهری ایران، از طریق ترسیم کروکی‌ها و تصاویر، بیشتر مولفه‌های کالبدی و فضایی پیوستگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نقدی که بر اغلب نوشتارهای ایشان می‌توان وارد، توجه کمتر به مولفه‌های اجتماعی و فعالیتی پیوستگی فضاهای شهری و تاثیر متقابل مولفه‌های مختلف پیوستگی بر همدیگر است.

نظریه‌ها و رویکردهایی که در زمینه پیوستگی و انسجام

آماری، از نقاط قوت این رساله است. «آیدا ادربیزبرگویچ زونیک» (ZGONIC ۲۰۰۸) در رساله خود با عنوان چالش چارچوب‌های هماهنگ، هماهنگی و تضاد را در سیمای شهر مورد مطالعه قرار داده است. فرضیه‌های این رساله عبارتند از: ۱- هم تضاد و هم تناسب در ساختن یک نگرش رابطه‌ای مکان یا ساختمان دارای نقص هستند. ۲- این رابطه از طریق استفاده از راهبرد زمینه‌گرایی با استفاده گفتگو با ساختمن و یا ایجاد تنشی بین آنها با ایجاد راه حل بامعنی بصری و عملکردی قبل دسترس است. در این رساله نویسنده نتیجه گرفت است که بازیابی محیط تاریخی یک فرایند ضروری است که آن را شایسته یک نگاه تازه می‌کند اما همزمان آنرا شایسته احترام می‌کند. این رویکرد جدید طراحی در زمینه، رویکردهای متفاوت و البته معاصر و نوآور را بدون نیاز به عندرخواهی به خاطر پذیرفتن موقعیت کنونی را مجاز می‌داند.

علاوه بر رویکردهای کلی فوق، اندیشمندان و صاحب نظران داخلی و خارجی در این زمینه مطالعات متنوعی را انجام داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. کوین لینج مطالعات جامعی در زمینه سیمای شهر و شکل شهر منسجم انجام داده است، که نتایج آن به عنوان یک تحول اساسی در ادراک شهر توسط شهروندان محسوب می‌شود. لینج با بکارگیری عناصر اصلی در سیمای شهر، متشکل از مسیر، لبه، نواحی، گره، نشانه، و ساخت یک سیستم کلی از این عناصر، سعی در ایجاد تصویری یکپارچه از قلمرو کلی شهر داشت. می‌توان مطالعه لینج را در دو حوزه مبانی نظری و روش شناسی مورد نقد قرارداد. لازم بذکر است خود لینج به اکثر این نقدها و کاستی‌ها اذعان و وقوف داشته است. لینج بیشتر مطالعات خود را بر علاوه و مشخصه‌ها و بافت شهری متمرکز کرده، کمتر به معانی و مفاهیم سیمای شهر پرداخته است. علیرغم اشاره لینج به اهمیت بسیار زیاد معانی در خوانایی و پیوستگی شهر، در تحقیق خود کمتر به عواملی چون معنی اجتماعی، نقش و وظیفه آن، سابقه تاریخی یا حتی نام مکانها که

کلیت شهر یا فضاهای شهری صورت گرفته است، نشان می دهد که ایجاد یک کل به عنوان هدف اصلی تمامی این رویکردهاست. مبانی پیوستگی در همه این رویکردها و نظریه ها همگرایی میان اجزاء و کل است. در اکثر این نظریه ها، وجود تنشیات کالبدی و نظم موجود میان اجزاء و کل، عامل ایجاد کننده پیوستگی است و کمتر به جنبه های نمادین و فعالیتی- اجتماعی فضا توجه شده است. اما رویکرد زمینه گراتا حدود زیادی این جنبه ها را مورد توجه قرار داده است. این رساله با تأکید بر جنبه های فعالیتی- اجتماعی فضاهای عمومی شهری، انسجام فضاهای عمومی شهری را بر مبنای پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. یکی دیگر از موارد قابل توجه رساله دیالکتیک ساختمان و فضا در ساختن فضاهای عمومی شهری، بررسی دیدگاه های معماران و طراحان شهری در این خصوص و همچنین معیارهای ارزیابی افراد ساکن و افراد عابر و ناظر در خصوص تفکیک حریم های خصوصی و عمومی (Madanipour, ۱۹۹۲)، تناسب فضای باز و سبز به فضای محصور و بسته، نورپردازی ها و بسیاری موارد کمی و کیفی دیگر ناشی می شود (حمیدی, ۱۳۷۴، ص ۳). در صورت از بین-رفتن کلیت شهر به واسطه تقسیم شهر به اجزاء عملکردی، فضاهای از هم گسیخته شده و عناصر موجود در شهر، سیستم یکپارچه ای را تشکیل نخواهد داد. عوامل، معیارها و مصادیق پیوستگی در مقیاس های متغیر متفاوت است. در سطح کلان، عناصر ایجاد کننده پیوستگی و به وجود آوردنده استخوان بندی کلیت، شریان های سریع السیر شهری و بین منطقه ای مانند بزرگراه ها، فعالیت ها و مراکز کلان که ارائه دهنده خدماتی چون صنایع، مراکز تجاري و تفریحی، دانشگاهی و نظایر آن در شهر و به اقمار آن می باشند، نقش تعیین کننده ایفا می کنند. در مقیاس های محدودتر از جمله در یک خیابان و یا سکانس هایی از یک خیابان، پیوستگی و تشکیل استخوان بندی اصلی فضای عمومی شهری متاثر از مولفه هایی چون حرکت سواره و ترکیب آن با حرکت پیاده، کیفیت جداره ها و کف فضای

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱۳

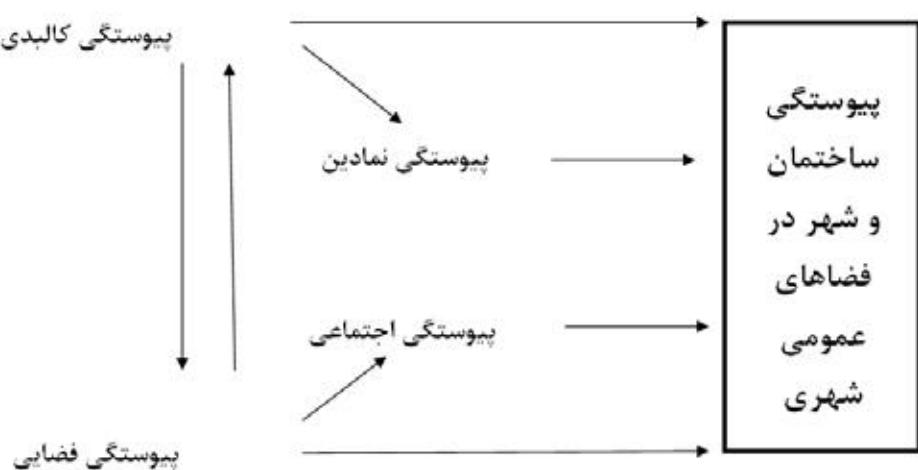
زندگی در این محیط‌های تازه، محتاج ایجاد تغییرات مهمی در خود هستند؛ تا از قدرت سازگاری با اقتضایات زندگی در شهرهای مدرن برخوردار شوند (زمیل، ۱۳۷۲). انسجام در طول زمان در فضاهای شهری و یا هر امر دیگری، از طریق توسعه درون‌زا حاصل می‌شود (اسلامی، ایروانی، ۱۳۸۷؛ اسلامی ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰)؛ در توسعه درون‌زا هدف این است که مردم با محصول نهایی در ارتباطی کیفی-درونی-اشراقی قرار گیرند (Islamی، ۱۹۹۸).

## ابعاد پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری

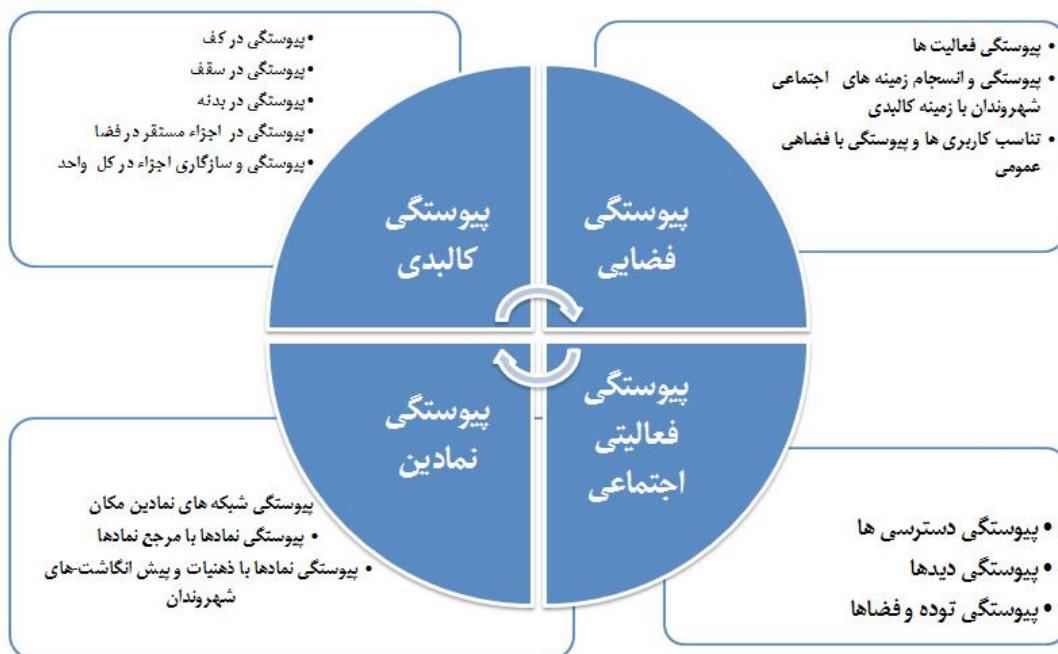
با توجه به مولفه‌های شکل دهنده فضا که در حالت کلی شامل مشخصه‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی می‌باشد. با رویکردی روانشناسی-پدیدارشناسی و مرور ادبیات نظری شکل شهر منسجم، می‌توان ابعاد پیوستگی را متشکل از پیوستگی‌های کالبدی، فضایی، فعالیتی-اجتماعی، و نمادین معرفی کرد. به عبارتی زمانی فضا دارای بیشترین میزان پیوستگی است که مولفه‌های کالبدی، فضایی، فعالیتی-اجتماعی، و نمادین علاوه بر داشتن پیوستگی در خود، در ایجاد پیوستگی کل فضای عمومی شهری تاثیرگذار باشند. یعنی؛ پیوستگی درونی و بیرونی یا به تعبیری دیگر؛ ساختاری و غیرساختاری در مجموعه فضای عمومی

عمومی، فعالیت‌های تفریحی، خدماتی، تجاری‌های بدنی‌های متصل به محله و نواحی، مبلمان و تجهیزات شهری، عناصر شاخص معماری، سبک معماری، تداوم فضای سبز، جزئیات معماری، نوع دانه‌بندي بلوک‌ها، دسترسی و نفوذپذیری فضاهای مجاور خیابان به فضای عمومی شهری، نوع کاربری‌ها، نوع و محل استقرار ورودی‌ها و بازشوها، معانی و شبکه‌های نمادین موجود در فضا، نحوه اتصال بنها با پیاده‌رو، و نحوه تفکیک و تلفیق فضاهای عمومی و خصوصی می‌باشد.

نکته مهم در ایجاد پیوستگی و یکپارچگی یک فضای عمومی شهری، نحوه پیوند و برقراری ارتباط یک محدوده با بقیه شهر و قسمت‌های مختلف آن است. هر ناحیه‌ای به عنوان یک جزء، برای آنکه بتواند به گردیده‌های دیگر در کنار خود جای دهد و بدان متصل «مفصل» نامیده می‌شود؛ که به نقش و اهمیت کاربرد آن باید توجه جدی مبذول داشت. به منظور ایجاد پیوستگی باید عناصر اصلی زمان، فضا و عملکردها را در ارتباط با هم دیگر در نظر گرفت. پیوستگی در انطباق و سازگاری کالبد جدید با ذهنیت شهروندان قابل تعریف است. «جورج زیمل» اعتقاد دارد: نوسانات شدید در کلان شهرها ذهنیت و شخصیت ساکنان شهرهای مدرن را تحت تاثیر قرار می‌دهند. انسان‌ها به‌زعم وی برای



نمودار ۲. مدل مفهومی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای شهری؛ مأخذ: نگارندگان.



نمودار ۳. مولفه های شکل دهنده ابعاد مختلف پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱۴

فضایی ارتباط مستقیم پیدا می کند. همچنین بر این اساس، با توجه به اینکه نمادها و نشانه های بیشتر معطوف به عناصر کالبدی می باشند و عمدتاً نشانه های پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی شهری با تأکید بر پیوستگی ساختمان و شهر، مدل مفهومی پیوستگی بر اساس مبانی نظری آن و با رویکردی روانشناسی- پدیدارشناسی به شرح نمودار شماره دو در این مقاله پیشنهاد می شود.

طبق این مدل مفهومی، پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری به طور عام و در فضای خیابان به طور خاص، از طریق به وجود آمدن همزمان پیوستگی کالبدی، پیوستگی فضایی، پیوستگی اجتماعی- فعالیتی، و پیوستگی نمادین حاصل می شود. در تشریح این مدل می توان این گونه بیان کرد که کالبد و فضای، یا به عبارتی توده و فضای همواره رابطه متقابل و دو سویه با هم داشته و اصولاً یکی بدون دیگری بی معنی است. در هر فضای شهری ترکیب متعادل این دو ضروری به منظور مطبوبیت فضای ضروری است. از آنجایی که فعالیت در فضای شکل می گیرد، بعد فعالیتی و اجتماعی، با بعد پیوستگی

جدول ۱. اجزاء تشکیل دهنده فضاهای عمومی شهری و مشخصه های آنها؛ مأخذ: نگارندگان.

اجزاء تشکیل دهنده فضای عمومی شهری	مشخصه های اجزاء	عناصر کالبدی تشکیل دهنده اجزاء
بند	عنصری عمودی مصنوع و غیر مصنوع هر بدنه متشكل از چندین نما شامل کلیه سطوح و احجام تشکیل دهنده حدوده فضا شفاف و حجمی محدود به زمین و آسمان و ساختمان و معبر	عناصر ارتباطی بصری درون و بیرون (سطوح شفاف) و عناصر ارتباطی فضایی (ورودی ها) سطح خالی خطوط غالب جنس و مصالح سبک معماری، عناصر الحاقی
کف	تعريف کننده فضا کلیتی متشكل از اجزاء مسطح یا شبیدار فضای ارتباطی تنظیم کننده ضربانگ، مقیاس و هماهنگی فضا نرم و سخت	مصالح، جنس، بافت و رنگ تعیین کننده مالکیت الگوی طراحی و ترکیب محل قرارگیری درختان محل قرارگیری اثاثیه محور جریان های آب و سطوح تشکیل شده از آب
سقف	عنصری بصری نرم و تغییر پذیر	آسمان تدابع بصری پیش آمدگی ها درختان
اجزاء مستقر در فضا	مبلمان شهری	اندازه و ابعاد و اتصالات مصالح، رنگ و پوشش شکل، بافت تناسبات، ساختار محل استقرار سبک و شیوه ساخت
-	عناصر گیاهی	درختان و بوته ها گل ها، گیاهان خرزنه و بالا رونده -پرچین ها و چمن

امکان روابط متقابل میان اشیاء را به جای ویژگی‌های خودشی بررسی کرده و بر این اساس، فضای رابطه متقابل اشیای جدا از هم می‌دانند. به نظر آنها اشیای مجرّاً از هم، قابلیت آنرا دارند که با ابزار کالبدی، بصری و روانی مختلف با یکدیگر پیوند خورند. بنابر این، کولاژ ترکیب عناصری است که در صدد بازسازی یک شئی با معنی، از طریق تغییر در نمود ظاهری اشیای شناخته شده است.

در بافت‌های قدیمی محو اجزاء در کل به خوبی دیده می‌شود. اجزائی مانند خانه حیاط دار نیست که بافت را تشکیل می‌دهد، بلکه بافت است که جزئی از آن، خانه حیاط دار است. ورای عناصر و اجزاء شهری که کنار هم قرار می‌گیرند، چیز دیگری وجود دارد و آن ارتباط است. چنین مجموعه‌ای علیرغم داشتن پیچیدگی یا همبافتگی، دارای نظم نیز هست که به جای اینکه به آشفتگی بصری-روانی بیانجامد، به وحدت و آرامش بصری منتهی می‌شود. در تاریخ معماری و شهرسازی جهان نمونه‌های زیادی از این گونه کل‌ها را می‌توان مشاهده کرد. مجموعه بازار شهرهای سنتی کمال هماهنگی و یکپارچگی اجزایی چون مسجد، مدرسه، تیمچه، میدان، حمام و کاروانسرا را در یک کل به خوبی نشان می‌دهد. مجموعه آگورای شهر یونانی نیز کمال مطلوب ترکیب اجزاء را نشان می‌دهد. در این مجموعه‌ها آنچه دیده می‌شود کل است نه جزء، به عبارتی، این کل است که تأثیر نهایی را می‌گذارد نه جزء. در شعر نیز چنین است؛ کلمات فی نفسه و به صورت مجرد آن ارزش برانگیختن احساسات را ندارند و تنها در مجموعه‌ای موزون با تعبیرات محسوس که قرار گیرند واحد ارزش کل مؤثر می‌شوند. در طراحی و نقاشی، یک خط یارنگ به تنها یی دارای توان برانگیختن احساسات نیست. در موسیقی نیز یک نت اگر به تنها یی به صورتی موزون تکرار شود، می‌تواند احساسات را برانگیزد، اما جلوه زیبایی تنها زمانی است که در ارتباط با نت‌های دیگر قرار گیرد (توسلی، ۱۳۷۲، ص ۱۹-۱۷). یک عنصر وحدت بخش بصری فقط به تدارک نشان بصری نظم و موجودیت

سه مولفه‌های شکل دهنده هر یک از ابعاد پیوستگی معرفی شده است.

## پیوستگی کالبدی توode و فضا در عرصه های عمومی شهر

هر فضایی توسط عناصر محدود کننده و مستقر در آن قابل شناسایی و تعریف است. شخصیت فضایی تابعی از چگونگی و نظم حاکم بر عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد. عناصر و اجزاء کالبدی تشکیل دهنده فضاهای عمومی شهری عبارتند از: کف، بدنه، سقف و عناصر مستقر در فضا. در اکثر فضاهای شهری ایران، عناصر یادشده به مثابه اجزائی از کل مجموعه، چنان به هم تنیده شده‌اند که تفکیک کالبدی و فضایی آنها دشوار است (توسلی، ۱۳۷۲، ص ۸). پیوستگی کالبدی ساختمان و شهر در یک خیابان به نوعی نشان دهنده نحوه ترکیب توode و فضا است. در خصوص ترکیب توode و فضا در ادبیات و مقررات مربوط به آن، به موارد زیر توجه شده است: ارتفاع، میزان عقب‌نشینی، درصد سطح اشغال، خط‌نمای، جلوه ظاهری؛ که رنگ، بافت و مصالح نیز باید در آن نظر گرفته شود، محصوریت فضایی، تباین و تقابل فضایی، مقیاس و تناسب. اما مسئله اساسی در ترکیب توode و فضا، نحوه ترکیب مجموعه ساختمان‌ها با فضاست. به عنوان نمونه مجموعه ساختمان‌های مجاور هم در مسیر یک خیابان در ترکیب باهم و با فضا؛ باید نوعی پیوستگی در خطوط، اشکال، ترکیب بدنه محصور کننده و همچنین با فضای عمومی ایجاد نماید (توسلی، ۱۳۷۲، ص ۱۱).

در مبحث پیوستگی کالبدی، اجزای شکل شهر به تنها یی ارزیابی و مطالعه نمی‌شود، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسه مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. یکی از رویکردهایی که به ادبیات پیوستگی کالبدی کمک نموده است، ایده کولاژ شهر است. این ایده در صدد در هم بافت عناصر شهر در یک کل منسجم بود. کولاژ شهر از نظر مفهومی بر کوبیسم و از نظر ادراکی و روان‌شناسی بر اصل شکل-زمینه گشتالت استوار است. کوبیست‌ها، ویژگی‌ها و

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱۷

لبه خیابان و فضای عمومی و عدم گسیختگی و جدایی بین آنها، کیفیّت پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی خیابان رارتقاء می‌بخشد. اختلاط کاربری تجاری و مسکونی برای جلوگیری از گسترش ظاهری یا ناپیوستگی ناشی از کاربری‌های بزرگ نامتجانس، مناسب است. همواره یکی از ساده‌ترین تدبیر وحدت‌بخش، استفاده از درخت در طول خیابان است. هنگامی که درختان به قدر کافی نزدیک به هم کاشته شوند، چه هنگامی که از فاصله نزدیک دیده شوند و چه وقتی که فضای بین آنها پُر شود، تداوم شکل می‌گیرد. سیمای کف می‌تواند به عنوان عامل در ترکیب عناصر منظر، آسمان نقش تعیین کننده‌ای می‌تواند داشته باشد. ساختمان‌های جداره خیابان در شکل‌دهی به شخصیت خیابان بسیار نقش دارند. تأثیر اساسی دارند (کریر، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

## پیوستگی فضایی تووده و فضا در عرصه‌های عمومی شهر

همان گونه که وجود در مراتب خود خصلتی متصل و پیوسته دارد که در هر مرتبه به شیوه‌ای حضور می‌یابد، فضاهای شهری نیز پیوند با یکدیگر را جستجو می‌کنند (اهری، ۱۳۸۵، ص ۴۵). هر فضای شهری در پیوستگی این اتصال و پیوستگی صورت نگیرد، واژه‌ها تبدیل به جمله نخواهد شد و معنایی از آن شکل دریافت نخواهد شد (حبیبی، ۱۳۷۷، ص ۵۲). استمرار و پیوستگی فضاهای از این به آن شدن، بازتابی از «شدن»‌های وجود است، از نزول به هبوط و سپس صعود به آسمان (اهری، ۱۳۸۵، ص ۴۷). فضای شهری خلاء‌ای می‌شود که مابین ساختمان‌ها، احجام و اشکال واقع می‌شود و در مکان و زمان بارفتارهای اجتماعی و فرهنگی معنایی دیگر پیدا می‌کند (حبیبی، ۱۳۷۷، ص ۵۲). سیالیت فضا در این تداوم و پیوستگی مفهوم می‌یابد. در این خصوصیت است که نه این است و نه آن، فضای بدهون بنامی رود و از آن بیرون می‌آید و در این وضعیت، خلاء حد و مرز کالبدی

آن، اقدام می‌کند؛ ناظر نیز با کمک اشاراتی که به او در سازمان دهی آنچه می‌بیند یاری می‌رسانند، بخش عمله کار وحدت‌بخشی را نجات می‌دهد. اگر فرد دقیقاً در برابر مکان‌ها و مناظر نامتجانس، همان یک عنصر وحدت‌بخش را ببیند، ناخوداگاه حضور آنرا نادیده می‌گیرد (جیکوبز، ۱۳۸۶، ص ۴۲۸).

مهم‌تر از وجود پیوستگی، ادراک پیوستگی می‌باشد. ادراک پیوستگی موضوعی ذهنی بوده و از طریق تصوّرات ذهنی حاصل می‌شود. تصوّرات ذهنی مردم از ویژگی‌های یک فضای کالبدی مشخص در یک جاهایی همپوشانی پیدا می‌کند، طوری که می‌توان بر مبنای وجوده مشترک اطلاعات مربوطه به ترسیم یک نقشه ذهنی واحد پرداخت (بنتلی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). طبق مطالعات لینچ، راه‌ها که خیابان‌ها جزئی از آن محسوب می‌شود، اصلی ترین عنصر در ایجاد تصوّر ذهنی از یک مکان هستند. لینچ معتقد است از طریق خوانایی، ناظر اجزاء شهر را آسان‌تر می‌شناسد و پیوستگی و انسجام را در ساختار شهری درک می‌کند. خوانایی با نمایانی یعنی ادراک ناظر در حرکت و تجربه او در شهر همراه است. خوانایی کیفیتی است که موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می‌آورد و در دو سطح؛ خوانایی فرم کالبدی و خوانایی الگوی فعالیت‌ها دارای اهمیت است (بنتلی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). علاوه بر خوانایی، در پیوستگی کالبدی ساختمان و خیابان، نفوذپذیری در دو بعد دسترسی و بصری، تنوع و گوناگونی در فرم‌ها، کاربری‌ها، معانی و استفاده‌کنندگان حائز اهمیت است. فقط فضاهایی می‌توانند به مردم قدرت انتخاب بدهند که برای آنها قابل دسترس باشند. فضا ماهیّتاً هم قابلیت خصوصی بودن و هم عمومی بودن را دارد، که این دو باید تقویت شوند. نفوذپذیری هر نظامی از فضاهای همگانی، به تعداد راه‌های بالقوه‌ای که برای عبور از یک نقطه به نقطه دیگر در نظر گرفته شده، بستگی دارد. هر دو جنبه کالبدی و بصری نفوذپذیری، به این بستگی دارند که شبکه فضاهای عمومی چگونه محیط را بلوك‌بندی می‌کند.

پیوستگی لبه با فضا، پیوستگی و ارتباط فعالیت‌های

### جدول ۳. مفاهیم مرتبط با پیوستگی فضایی والزامات و ویژگیهای آنها

مفهوم مرتبط با پیوستگی فضایی	والزامات و ویژگیها
وجود	* خانه‌ی متصل و پیوسته
فلما	* در بین وصل به دیگر فضاهای
وتوه‌ها	* تبدیل به جمله
فضاهای شهری	* خلاه‌هایی در میان ساختمانها
خلاء	* حد و مرزی ندارد مگر متناسب که به آن داده می‌شود
فعالیت	* در فضا جریان دارد نه در کالبد
مهارت فلما	* جگوکار، تعریف، مرزها
درون و بیرون	* لیجاد و تعرف مرز * دلالتکار آنها متوجه به انتها و آنچه می‌شود
مرز	* آن نیست که چیزی در آن موقوف شود بلکه آن است که چیزی هستی خود را از آن اندازی کند * زرم و سخت
چالش ایجاد مرز	* تینین تابرو-تشابی عمومی و خصوصی



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱۸

ندارد، مگر از طریق معنایی که ما بدان می‌باشیم و به آن بُعد و برجستگی می‌بخشد (استریلن، ۱۳۷۷، ص ۵۵-۵۸). خلاء‌ها و حیاط‌ها هستند که جزیره‌های شهری را پدید می‌آورند و نه حجم‌های ساختمان‌ها. نقش دریافت و ادراک فضایی بسیار مهم و برجسته است. برای کسی که در برابر مسئله دریافت و ادراک چنین فضایی قرار می‌گیرد، درک و فهم پیوستگی و تداوم فضایی بسیار مهم و سودمند است؛ زیرا توالی و تسلسل حالات و احساسات در اینجا مهم و معنی دار است. در این گونه فضاهای انسان همواره در درون چیزی قرار دارد. در گذشته فضا عامل شکل-دهنده بود و در دوران مدرنیسم، ساختمان‌ها عامل شکل-دهنده شدند (توسّلی، ۱۳۷۲، ص ۶۱).

فعالیت نه تنها در توده ساختمانی بلکه در فضا جریان دارد. مفهوم فعالیت، در مفهوم فضای شهری نهفته است. کاربری‌ها و فعالیت‌ها همگی در توده و فضا شکل می‌گیرند. منظور از توده تنها صورت ظاهر حجمی نیست، که کاری جزء محصور کردن فضاندارد؛ بلکه

حریمی که در آن ایجاد می‌کنیم. در صورتی که بنای‌های مختلف باهم ترکیب شوند و فضایی را محصور کنند، لازم است بین این فضاهای آن چنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصور کننده با وجود این که از ساختمان‌های مختلف تشکیل شده است، صورتی پیوسته پیدا کند (توسّلی، ۱۳۶۵، ص ۷۳). پیوستگی فضایی یکی از جنبه‌های بنیادین معماری و شهرسازی گذشته ایران است. در این فضاهای گذر از فضایی به فضای دیگر پی درپی و همواره تکرار شده است، بی‌آنکه هرگز این پیوستگی قطع شود. ساختمان در تار و پودی پیوسته و متداوم ترکیب شده است. بنا، به عنوان ساختمانی مجرّزا و منفرد جلوه گر نمی‌شود که روی سطحی قرارداده شده باشد؛ بلکه در بافت شهری، فشرده و گنجانده شده است. همان بافتی که خطوط غالب و مهمی چون جایگاه و مسیر مساجد و میدان‌ها و مراکز تجمع

## پیوستگی فعالیتی و اجتماعی توده و فضا در عرصه های عمومی شهر

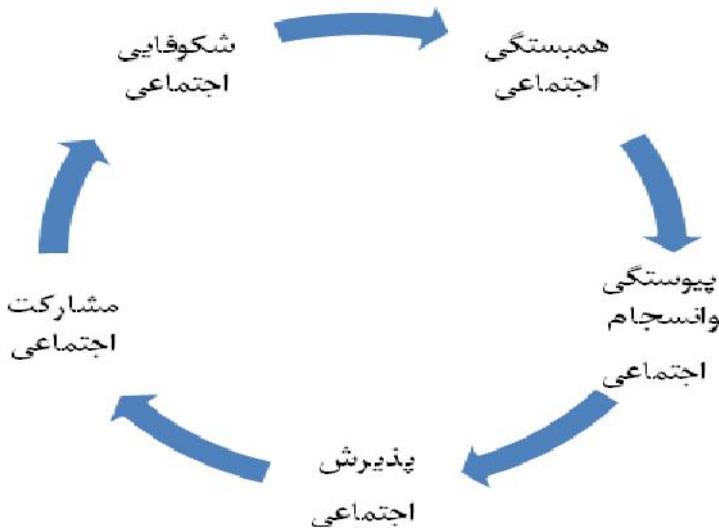
پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است. فضای عمومی شهری بستر پاسخگویی به این جنبه از حیات انسان است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

وجود کالبد مناسب و پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، در عین ایجاد فرصت های مشارکت در فعالیت های اجتماعی، زمینه ساز حس تعلق به مکان نیز می باشد. فضای شهری به عنوان یک پدیده اجتماعی، کالبدی، جغرافیایی؛ برایند ترکیب عوامل و عناصر مختلف در طول زمان و نمود فضایی و مکانی این عوامل است (Hall, ۱۹۸۴: ۴۲).

ارتباط میان فرم، فضا و فعالیت، معرف چگونگی شخصیت شهر و کیفیت زندگی است؛ که تحلیل آن در قالب زمان و بستر اجتماعی، فرهنگی و مکانی مفهوم پیدا می کند. هر سرزمینی یک روح، یک تفکر، یک معماری دارد که قابل تداوم است و باید تداوم یابد. این تداوم یک امر شخصی نیست، بلکه تاریخی است و گسترش در آن می تواند پیامدهای اجتماعی نامطلوب به همراه داشته باشد. تداوم در معماری شهر، ارتباط معنادار بین فرم و فضا، بین محیط خصوصی و محیط عمومی است. در فرهنگ ایرانی ارتباط بین ظرافت فرم و گستردگی فضا، نشان دهنده معنی دار بودن این رابطه نیز هست و فرایند حاصل از پیوند فرم و فضا نیز دارای عمق و معنا است. از جنبه اجتماعی، سیستم کالبدی شهر را می توان به فضاهای عمومی و فضاهای خصوصی تقسیم کرد. بین این فضاهای از یک سو و بین فضاهای نیازهای جامعه شهری از سوی دیگر باقیستی تناسب و تعادل برقرار باشد. بطور کلی فضاهای شهری را از این نظر که به فعالیت خاصی اختصاص می یابند، یا می توانند فعالیت های مختلفی را در خود جای دهنند به فضاهای سازمان یافته یا سازمان نیافته می توان تقسیم کرد. فضا با تمام مقیاس های ممکن اش، پیوسته تغییر می کند. این فضاهای در عین

منظور ترکیبی است پُر کار که با شکل ظاهری خود، که جزء لاینفَک توده است، رو به فضا دارد. هر فضای شهری یا بنا و معماری، دارای درون و بیرون است. در درون، زیرنظم های خود را شکل می بخشد و در برون، از نظم های فراتر تأثیر می پذیرد (حربی، ۱۳۷۷، ص ۵۲). اما مفهوم فضای خارجی و فضای داخلی اساسا یکی است، جز اینکه مقیاس این دو فضا متفاوت است (توسلی، ۱۳۷۱، ص ۲۲). مفهوم اینجا و آنجا، گاهی به یک اینجای شناخته شده و یک آنجای شناخته شده، و گاهی به یک اینجای شناخته شده و یک آنجای شناخته شده، ناشناخته شده تأکید دارد. مفهوم مرز، یکی از مهم ترین مفاهیمی است که فضا در معماری و شهرسازی بر مبنای آن شکل می گیرد. در بیان کالبدی، هر محدوده توسط یک مرز تعیین می شود، اما یک مرز آن نیست که چیزی در آن متوقف شود، بلکه به قول هایدگر؛ چنان چه یونانیان دریافتند، مرز آن است که چیزی از آن، هستی خود را آغاز می کند.

ماهیّت فضانیز در چگونگی تعریف مرزهای آن شکل می گیرد. رابرт ونتوری، جسوارانه ترین پیام معماری مدرن را فضای روان آن می داند، که برای دستیابی به پیوستگی فضای داخل و خارج تلاش می کند. چالش ایجاد مرزها یه به عبارتی، چالش ساختن شهر این است که مرزهای بین دو قلمروی عمومی و خصوصی به نحوی برپاشوند که شفافیت را بانفوذ پذیری ترکیب کرده، وابستگی متقابل دو قلمرو را پذیرفته و هر دو طرف مرز را پشتیبانی کند. چرایی و چگونگی تفکیک فضاهای شهری به بخش های عمومی و خصوصی از اهمیّت زیادی برخوردار است. طبیعت و رابطه بین فضاهای خصوصی و عمومی شهر و معنای اجتماعی و روانی این فضاهای موضوع اساسی می باشد. رابطه بین خصوصی و عمومی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته و دارای تجسس کالبدی کاملاً مشخص است (مدنی پور، ۱۳۸۷ ب، ص ۹۰ و ۵۰). پیوستگی فضایی از طریق ایجاد پیوستگی دسترسی ها، پیوستگی دید و منظر یا توالی فضایی و وجود دیدهای پی درپی حاصل می شود.



نمودار ۳. ابعاد اجتماعی یا سلامت اجتماعی افراد (Keyse, ۲۰۰۴).

اجتماعی، بیشتر با روابط متقابل شان با یکدیگر ترکیب می‌شوند و ترکیبات پیچیده شکل می‌دهند. تنها با مفهومی ایستاد از فضا، به فرایندهای اجتماعی، منفک از فضای ذهنی و فیزیکی نگریسته می‌شود. اما اگر فضاهای فیزیکی و ذهنی دارای تولیدی اجتماعی باشند، شهری را دارای ارزش می‌کنند، سر و کار دارد. ابعاد اجتماعی و فیزیکی شکل شهر، رابطه پویایی با یکدیگر دارند. بافت فیزیکی با روندهای متفاوت اجتماعی تولید شده، مشخص می‌گردد. در عین حال، وقتی فرم فضای شهری ساخته شد، می‌تواند بر روش روی دادن دوباره این روندها تأثیرگذار باشد (مدنی پور، ۱۳۸۷ الف: ۴۲). بعد اجتماعی شکل شهر با آرایش فضای ساختی و ارتباطات متقابل ویژگی‌های انسان‌هایی که آنرا ساخته و استفاده کرده و بافت شهری را دارای ارزش می‌کنند، سر و کار دارد. ابعاد اجتماعی و فیزیکی شکل شهر، رابطه پویایی با یکدیگر دارند. بافت فیزیکی با روندهای متفاوت اجتماعی تولید شده، مشخص می‌گردد. در عین حال، وقتی فرم فضای شهری ساخته شد، می‌تواند بر روش روی دادن دوباره این روندها تأثیرگذار باشد (مدنی پور، ۱۳۸۷ الف: ۴۸). شکل‌های ساخته شده توسط انسان، ادامه اندیشیدن وی می‌باشد. شکل و نظم‌های متفاوت حاصل از چگونگی ترکیب آنها، ناشی از فکر است. در درون این فضای متعادل از ساختارهای فضای شهری می‌توانند دیدگاهی اجتماعی-مکانی که در آن، این دو بعد با پیچیدگی‌هایشان در هم چفت و بست می‌شوند، این امکان را خواهد داد که مشخص شود، چگونه ساختارهای مکانی، شکل‌گیری‌های اجتماعی و نیز تأثیرگذاری بر آن را بیان می‌کنند. فضای شهری فضایی مادی است، با ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی اش و شکل شهر، هندسه این فضاست. نقشه ما از شهر باید دارای لایه‌های هم‌پوشاننده چندگانه‌ای باشد که هندسه فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی شهر را در یک زمان واحد بهتر نشان دهد. برای درک فضای شهری، باید ابعاد فیزیکی، اجتماعی و نمادین فضا را به شیوه‌ای منسجم و در فرایند تولید فضا در بابیم (مدنی پور، ۱۳۸۷)

حال در متن اجتماعی شان جای دارند و هویت‌های چندگانه اما به هم مرتبط را امکان پذیر می‌سازند (مدنی پور، ۱۳۸۷ الف: ۴۲). بعد اجتماعی شکل شهر با آرایش فضای ساختی و ارتباطات متقابل ویژگی‌های انسان‌هایی که آنرا ساخته و استفاده کرده و بافت شهری را دارای ارزش می‌کنند، سر و کار دارد. ابعاد اجتماعی و فیزیکی شکل شهر، رابطه پویایی با یکدیگر دارند. بافت فیزیکی با روندهای متفاوت اجتماعی تولید شده، مشخص می‌گردد. در عین حال، وقتی فرم فضای شهری ساخته شد، می‌تواند بر روش روی دادن دوباره این روندها تأثیرگذار باشد (مدنی پور، ۱۳۸۷ الف: ۴۸). شکل‌های ساخته شده توسط انسان، ادامه اندیشیدن وی می‌باشد. شکل و نظم‌های متفاوت حاصل از چگونگی ترکیب آنها، ناشی از فکر است. در درون این فضای متعادل از ساختارهای فضای شهری می‌توانند دیدگاهی اجتماعی-مکانی که در آن، این دو بعد با پیچیدگی‌هایشان در هم چفت و بست می‌شوند، این امکان را خواهد داد که مشخص شود، چگونه ساختارهای مکانی، شکل‌گیری‌های اجتماعی و نیز تأثیرگذاری بر آن را بیان می‌کنند. فضای شهری فضایی مادی است، با ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی اش و شکل شهر، هندسه این فضاست. نقشه ما از شهر باید دارای لایه‌های هم‌پوشاننده چندگانه‌ای باشد که هندسه فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی شهر را در یک زمان واحد بهتر نشان دهد. برای درک فضای شهری، باید ابعاد فیزیکی، اجتماعی و نمادین فضا را به شیوه‌ای منسجم و در فرایند تولید فضا در بابیم (مدنی پور، ۱۳۸۷)

الف: ۱۳۰-۴۸

بعد اجتماعی فضاهای عمومی شهری، به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در فضاهای عمومی شهری اشاره دارد. «کییز» با توجه به مفهوم پردازی‌های نظری در این خصوص، یک مدل پنج بعدی قابل سنجش را ارائه داده است. بر اساس این مدل، فرد از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم (همبستگی اجتماعی) و بالقوه برای رشد و شکوفایی می‌داند (شکوفایی اجتماعی) و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، آن را درک می‌کند، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود (پذیرش اجتماعی) و (انسجام و پیوستگی اجتماعی) در پیشرفت آن سهیم است (مشارکت اجتماعی). در مقابل، طرد اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد هیچگونه مشارکتی در اجتماع نداشته باشد. در این صورت فرد احساس می‌کند که سرنوشت اجتماع به نیروها و یا ساختارهای خارجی مربوط است نه به اجزای تشکیل دهنده اجتماع. در این صورت برای اجتماع توان بالقوه‌ای در محور تکاملی خود قائل نیست (در نتیجه شکوفایی اجتماعی کاهش می‌یابد). با این تفکر، شخص احساس می‌کند که جامعه آنقدر پیچیده است که نمی‌توان آینده آن را پیش‌بینی کرد (بنابراین همبستگی اجتماعی کاهش می‌یابد). شخص احساس می‌کند که هیچ چیز مشترکی بین ارزش‌های فرد و ارزش‌های اجتماع وجود ندارد و نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بی تفاوت و بی اعتماد می‌شود (انسجام اجتماعی کاهش می‌یابد) و تمام این عوامل موجب می‌شود که شخص نگرش مثبت نسبت به افراد اجتماع خود را از دست بدهد (پذیرش اجتماعی کاهش می‌یابد) و در نهایت در زمانی که نگرش‌های یادشده در شخص به وجود آمد، شخص احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کارامدی اجتماعی خودرا از دست می‌دهد و بنابراین احساس می‌کند که نمی‌تواند نقش مهمی در پیشرفت و آینده اجتماع داشته باشد و مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد (سام و دیگران، ۱۳۸۸).

دارند. این تفکر که فعالیت‌های روزمره آنها به وسیله جامعه ارزش‌دهی می‌شود.

بر اساس این نظریه‌ها، از نظر اجتماعی زمانی فرد دارای ارتباط مؤثر و کارآمد است که، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم (همبستگی اجتماعی) و بالقوه برای رشد و شکوفایی می‌داند (شکوفایی اجتماعی) و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، آن را درک می‌کند، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود (پذیرش اجتماعی) و (انسجام و پیوستگی اجتماعی) در پیشرفت آن سهیم است (مشارکت اجتماعی).

در مقابل، طرد اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد هیچگونه مشارکتی در اجتماع نداشته باشد. در این صورت فرد احساس می‌کند که سرنوشت اجتماع به نیروها و یا ساختارهای خارجی مربوط است نه به اجزای تشکیل دهنده اجتماع. در این صورت برای اجتماع توان بالقوه‌ای در محور تکاملی خود قائل نیست (در نتیجه شکوفایی اجتماعی کاهش می‌یابد). با این تفکر، شخص احساس می‌کند که جامعه آنقدر پیچیده است که نمی‌توان آینده آن را پیش‌بینی کرد (بنابراین همبستگی اجتماعی کاهش می‌یابد). شخص احساس

در این نمودار، «شکوفایی اجتماعی» به معنی دانستن و اعتقاد داشتن به اینکه جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. شکوفایی اجتماعی؛ یعنی باور به این که اجتماع سرنوشت خوبی را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش محور تکاملی خود را کنترل می‌کند (فارسی نژاد، ۱۳۸۳، ص. ۸۸). «همبستگی اجتماعی»، اعتقاد به اینکه اجتماع، قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی یا انطباق اجتماعی در مقابل بی معنایی در جامعه است (Mirowsky and Ross, ۱۹۸۹) و در حقیقت در کی است که فرد نسبت به کیفیت، سازمان دهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. «انسجام یا پیوستگی اجتماعی»، به مفهوم؛ احساس بخشی از جامعه بودن، فکر کردن به اینکه فرد به جامعه تعلق دارد، می‌باشد. احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن. بنابراین انسجام آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آنها و کسانی که واقعیت اجتماعی آنها را می‌سازند، وجود دارد. «پذیرش اجتماعی»، داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد، تصدیق کردن دیگران و به طور کلی پذیرفتن افراد علی‌رغم برخی رفتار سردرگم‌کننده و پیچیده آنها می‌باشد. در پذیرش اجتماعی فرد اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارد و می‌پذیرد (کییز، ۲۰۰۴). «مشارکت اجتماعی» عبارت است از، این احساس که افراد چیزهای بالارزشی برای ارائه به جامعه

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۲۱

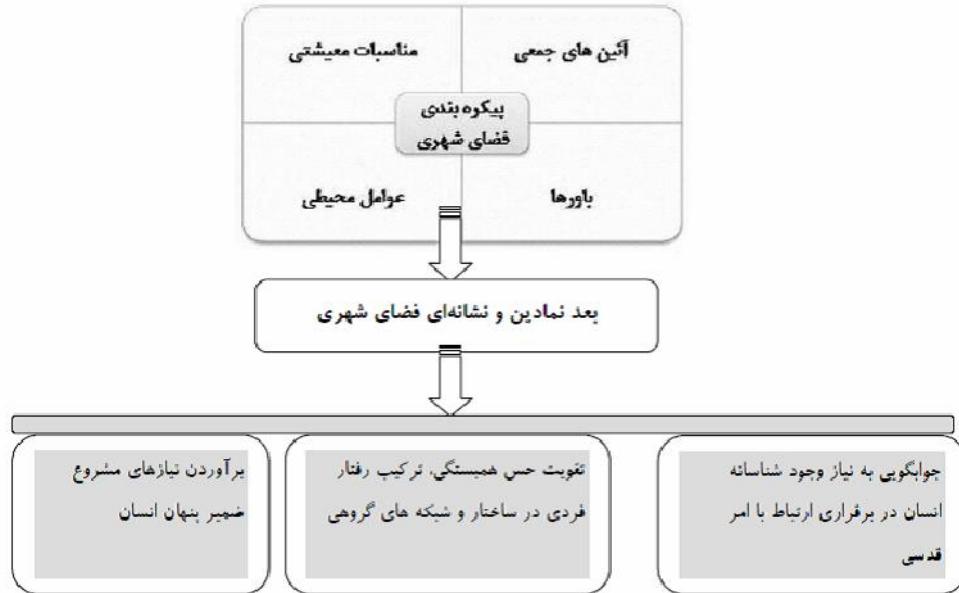
انسجام یا پیوستگی اجتماعی عبارت از پیوند اعضای یک جامعه در چارچوب هویت، ارزش‌ها و هنجارهای عام و ویژگی‌های مشترک است. هرچه این وجوده اشتراک قوی تر باشد، جامعه از درجه انسجام بالاتری

برخوردار است. به هر میزان که روابط اجتماعی دچار اختلال شود، انسجام اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. فضای کالبدی می‌تواند به انسجام اجتماعی بالاتر یا تداوم آن کمک نماید، یا باعث تضعیف آن شود. معماری از جنبه اجتماعی باید به این مؤلفه‌ها توجه نماید و فضای کالبدی را در جهت بسترسازی برای شکل‌گیری و تقویت اجتماعی مشخص هدایت نماید. این مؤلفه‌ها کارکردهای اجتماعی یک جامعه را منعکس می‌کند که برایند آن، یک جامعه با هویت مشخص می‌باشد. ایجاد فضای کالبدی برای جریان روان این برایند، به تقویت این نقش‌ها و در نهایت تقویت هویت اجتماعی کمک می‌کند و نتیجه آن افزایش همبستگی، امنیت و مشارکت اجتماعی و پایداری جامعه خواهد بود (Morville, ۲۰۰۷). درک عمیق و گستردۀ از رابطه معماری با جامعه از یک طرف مستلزم آگاهی از نظریه وضعیت اجتماعی است و از طرف دیگر مستلزم آگاهی از نظریه جامعه‌پذیری معماری و کنش مقابله آنها. جامعه‌پذیری در معماری به معنای وجود مکانیسم ارتباطی عمیق، گستردۀ و متقابل بین معماری و جامعه با تمامی ویژگیها، ابعاد و بازتاب‌های گوناگون آن است (نوحی، ۱۳۷۵، ص ۲۴).

**پیوستگی معنایی تووده و فضا در عرصه‌های عمومی شهر**

مجموعه پیچیده‌ای از عوامل محیطی، مناسبات معيشیتی، باورها، و آیین‌های جمعی بر ساختار و پیکره‌بندی شهر ایرانی اثرگذار است (امین زاده، ۱۳۸۶، ص ۶). شهر با ساختار پنهان و آشکار نمادهای به یادآورنده یا خاطره‌برانگیز خود، اثری عمیق بر ساکنین بر جامی گذارد، که ممکن است به تقویت حسّ همبستگی ساکنین، ترکیب رفتار فردی در ساختار و شبکه‌های گروهی، یا به برآورده ساختن نیازهای مشروع ضمیر پنهان انسان منجر شده (Ryckwert: ۱۹۱۹۷۷: ۳۰۰) و یا عطش وجودشناسانه عمیق انسان در برقراری ارتباط با امر قدسی را سیراب سازد (امین زاده، ۱۳۸۶، ص ۶). بسیاری از یافته‌های انسانی، به صورت شهودی ادراک می‌شوند. این یافته‌ها

که از ورای صورت ظاهری بدست می‌آیند، بیانی برتر از ماده را خواستارند. به همین سبب برای بیان بسیاری از یافته‌های انسانی، بیانی نمادین و رمزی لازم است (حسنوند و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). هنگامی که ذهن مبادرت به کنکاش در یک نماد می‌کند به انگاره‌هایی فراسوی خرد دست می‌یابد، از آنجا که چیزهای بیشماری فراسوی حد ادراک انسان وجوددارد، پیوسته استفاده از عناصر رمزی و نمادین گریزناپذیر است (یونگ، ۱۳۷۸، ص ۱۵). رمز، زایش پایان ناپذیری از نماد (یونگ، ۱۳۷۸، ص ۱۳). رمز، زایش پایان ناپذیری از نماد و معناست در ذهن و اندیشه‌ی رمزگرا. نمادها چیزهایی هستند که ما برای نشان دادن چیز دیگری به کار می‌بریم. نماد می‌تواند به شئی یا فکر و یا رفتاری خاص اشاره داشته باشد. هیچگونه رابطه طبیعی میان یک نماد خاص و مرجع آن وجود ندارد. رابطه میان نماد و نماد و نیز اندیشه‌ما و مرجع نماد وجود ندارد (اوگدن و ریچاردز، ۱۹۲۳). اگر به مرجع نماد بیندیشیم، نماد آن به ذهن می‌آید و اگر به نماد فکر کنیم، ذهن متوجه مرجع آن می‌شود. نماد عالمتی است، سماتیکی یا قابل تحلیل معنایی. به عبارتی قابل درک معنوی که محتوایی فراتر از تأثیرات آنی دارد. نماد، چیز روانی را قابل درک و حسن نموده، به عنوان وسیله‌ای برای عینیت بخشیدن صوری به یک محتوای ذهنی به کار می‌رود و تنها زمانی که محتوای معنوی یک اثر مهم‌تر از تأثیرات ظاهری آن باشد، معنی پیدا می‌کند (گروتر، ۱۳۸۳، ص ۵۱). در این تحولات، بی‌درنگ از نیروی محرّکی آگاه می‌شویم که به ذات هر فرم سمبولیک تعلق دارد. در چنین فرمی، مرز بین درون و برون یا ذهنیت و عنیت از میان می‌رود و گویی این مرز به حال سیتال تبدیل می‌شود (کاسیرر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲). از میان نمادها، عالی ترین سطح آن -نمادهای ذاتی- که الگوهای ازلی و ابدی را شامل می‌شوند، در اندیشه هنرمند سنتی زبان اصلی آفرینشگری هستند. از این منظر، زبان نمادها مبین دانشی است؛ که از راه عقل حصول می‌گردد، که همانا معرفت است. نمادها



نمودار ۴. پیوستگی نمادین فضاهای شهری

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

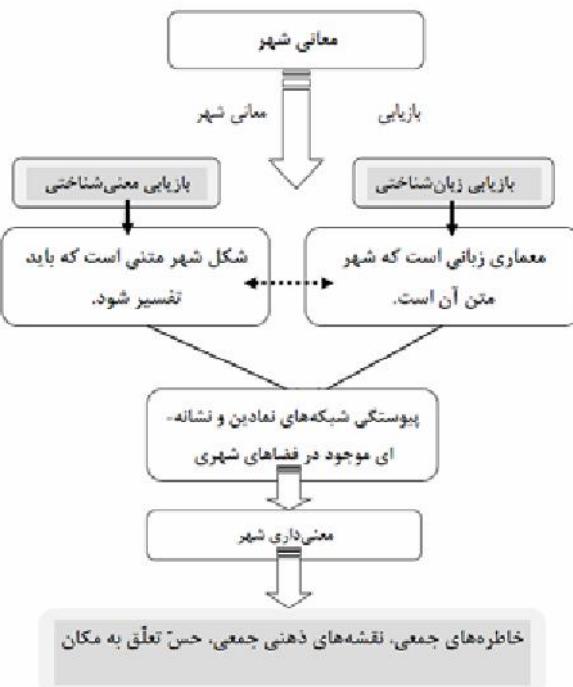
۴۲۳

به گونه‌ای باشد، که مخاطب را به لحاظ تولید معنا اقناع کند (تلایی، ۱۳۸۰، ص ۴۰-۴۱). موضوع مهم در زبان‌شناسی این است که؛ زبان نمی‌تواند متشکل از اجزای پراکنده باشد. انسان‌ها واژه‌های جمله ساز را واژه به واژه ترجمه نمی‌کنند، بلکه کل جمله را می‌خوانند و از طریق رابطه متقابل واژه‌های است که معنی وسیع تری را از آن درک می‌کنند. مهم‌ترین چیزی که معنی را می‌سازد نشانه نیست، بلکه کل گفته‌یا بیان است که در ترکیب‌بندی آن نشانه وارد شده است. شهرهای امروز به دلیل گسستگی رابطه میان واژه‌ها در شیوه‌ای که معانی درک می‌شوند مشکل ایجاد کرده‌اند (King, ۱۹۹۶: ۱۲۶-۱۲۷).

معنا زندگی را می‌آفریند (بارت، ۱۳۸۲، ص ۵۳) و شهر نیز محل زندگی است، پس معنی دار بودن شهر یک ضرورت است. یک ساخت برای معنی دار بودن باید دستوری باشد؛ اما صرف دستوری بودن، ایجاد معنا نمی‌کند (لطفی، ۱۳۸۴، ص ۱۷). نوام چامسکی زبان‌شناس معروف، معتقد است که دستور و طرز چیزی عناصر بر معنا تفوق دارد. بدین ترتیب، معنی داری بیشتر یک مشخصه‌ای کیفی است و تأویل

خود تجلیاتی از مطلق در مقیدات هستند و صور نمادین، که جنبه‌های محسوسی از واقعیت ماوراه طبیعی چیزها می‌باشند. موجودیت نمادها از این تمایل معکوس تبعیت می‌کند که ادنی جلوه گاه اعلی است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۵)، به عنوان نمونه بورکهارت، حرکت مناره‌ها را که به سوی آسمان سر برافراشته و جهش می‌کنند، نمودی از گواه و شهادت بر یگانگی خداوند می‌داند (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۸۰).

با توجه به اینکه بازیابی معانی‌ای که انسان به شهر می‌دهد کار دشواری است، می‌توان از روش‌های زبان‌شناختی و معنی‌شناختی در فهم معانی کمک گرفت. در زبان‌شناسی، معماری زبانی است که شهر متن آن است و در معنی‌شناختی، شکل شهری متنی است که باید تفسیر شود. متخصصان برای آن که در شکل شهر انسجام ارتباطی ایجاد کنند به نوعی تشبيه روی آورده‌اند و الگوهای شهری را به زبان بصری تشبيه کرده‌اند. این مطالعات جزو قیاس‌های ساختاری است، که ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق می‌دهد. به نظر آنها، رابطه میان اجزای شکل شهر یا کلمات برای تشکیل سلسله مراتبی از کل‌ها یا جملات باید



خطرهای جمعی، نقشه‌های ذهنی جمعی، حس تعلق به مکان

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۲۴

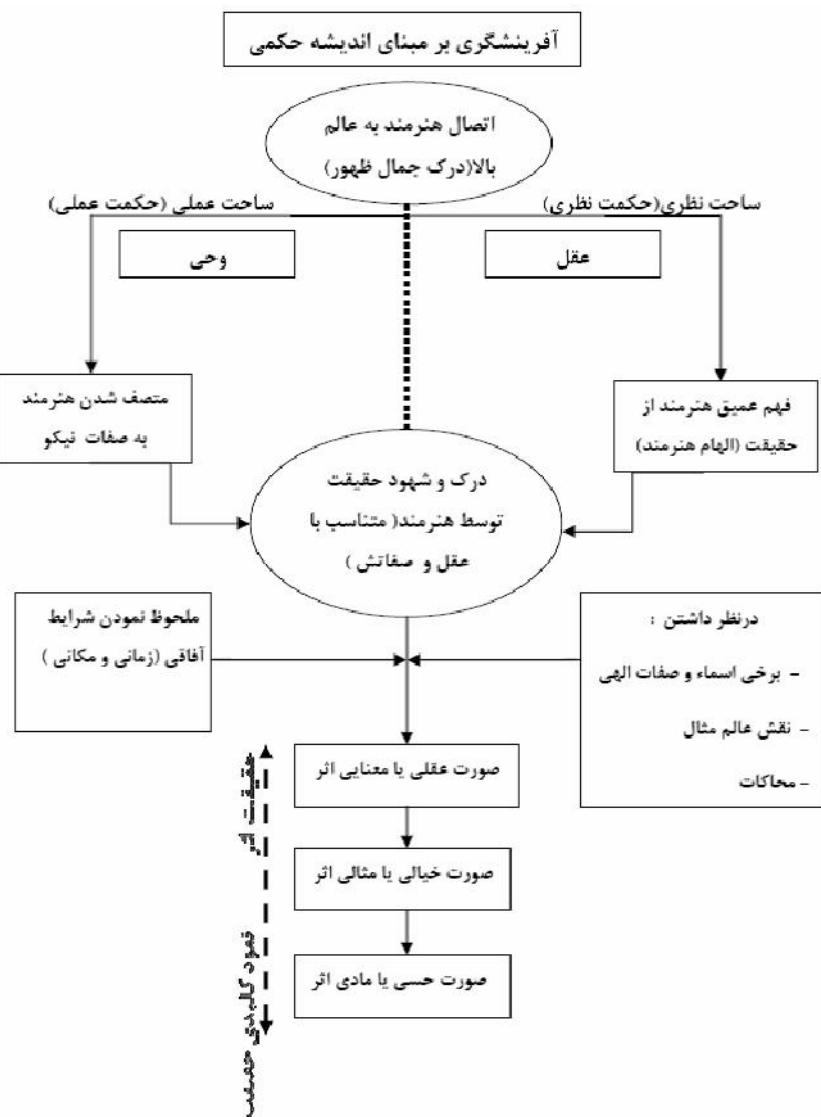
به جای آشفتگی از آنچه می‌بینند، نظام را ایجاد و آن راحساس کنند. نشانه‌ها اولین راهنمای جهت یابی هستند. علاوه بر آن، بر تنوع شهر و بر اعتبار و اهمیت آن از طریق متفاوت بودن با اطراف تأکید می‌کنند. در شهرهای سنتی ایران، با توجه به تبدیل کلیت شهر به یادمان به جای یادمان‌های شهری، شهر ساختار و استخوان‌بندی شهر زمانی مناسب خواهد بود که به مدد آن، شهر خوان و با هویت باشد. با به هم پیوستن نمادها و نشانه‌ها از طریق استخوان‌بندی شهری، بر اهمیت و تأثیر آن‌ها افزوده خواهد شد (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۴۴). با ایجاد شبکه‌ای پیوسته از نمادها، سیمای متشخص نمادها و نشانه‌ها در ذهن ناظر ثبت شده و حاصل چنین مجموعه‌ای از شبکه نمادین شهر، برای شهر هویتی نمادین در پی خواهد داشت. بدین ترتیب قابلیت ادراک و تصور جامع از یک شهر وسیع، با خوانایی کامل هر یک از قسمت‌ها و در نهایت ادراک کل مجموعه شکل یافته، مرتبط خواهد بود. نمادها و نشانه‌ها به مردم کمک می‌کنند تا به خاطر خود، شهرهای سنتی ایران به تبع این نمادگرایی و ابعاد

آن نیاز به مرور محتوایی دارد. بنابراین دستوری بودن جمله، الگویی را ارائه می‌کند که می‌توان عناصر معنادار را در آن گرد هم آورد و جمله‌ای معنادار ساخت. در صورت عدم دستوری بودن، ناخوانایی پیش خواهد آمد. می‌توان نتیجه گرفت که دستوری بودن موجب خوانایی می‌گردد (چامسکی، ۱۳۶۲، صص ۱۸-۱۵). در پی معنی دار بودن شهر است که موضوعاتی چون نقشه‌ذهنی، خاطره‌های جمعی، حس تعلق به مکان اهمیت می‌یابد.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۲۵



نمودار ۳. فرایند آفرینشگری در معماری و شهرسازی سنتی

(هاشم‌نژاد، ۱۳۷۸، ۱، ص ۵۰). بدون شک گیری فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی ایران، به شیوه‌های متعدد، از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است (حکمتی؛ کبیر، ۱۳۷۸، ۱، ص ۸۵). از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه، رسوم، سنت و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبانی فکری و مبادی صوری، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی، در شکل گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند.

تمثیلی اش دارای ارزش‌های کیفی و کالبدی می‌گردد. بدین گونه ضرایب پویای معماری سنتی ایران همواره به تفکر و احساس پیوسته می‌گردد و همراه با افکار، تخیلات و احساسات درونی انسان دگرگون می‌شود و معانی و مفاهیم خود را می‌یابد. بدین جهت است، که در فهم و بیان ضرایب دستور آن اشکال، دارای معانی و مفاهیم خاصی می‌گردد، که گویای ادراک انسان از جهان مادی و معنوی است. هر گوشه شهرهای سنتی دارای احساسی متفاوت و متنوع می‌گردد؛ احساس آرامش، تواضع، تفکر، عظمت، نوآوری، تحسین، زیبایی

## نتیجه‌گیری و جمعبندی

پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری از طریق توسعه درون‌زا حاصل می‌شود. برای ایجاد پیوستگی نباید تاکید صرف بر کالبد داشت، بلکه کالبد، فعالیت، و معنا با هم باید حضور داشته باشند. علیرغم اینکه پیوستگی از طریق ایجاد هم زمان پیوستگی و انسجام در ابعاد کالبدی، فضایی، فعالیتی-اجتماعی، و نمادین فضا حاصل می‌شود، اما میزان و نحوه آن در فضاهای شهری بسته به نوع و ماهیت فضا به شدت متفاوت است. عمدتاً یکی یا چند وجه از وجوده پیوستگی در هر فضایی غالب، با این حال

ابعاد دیگر حتماً باید حضور توامان داشته باشند تا یک فضای منسجم بر اساس پیوستگی ساختمان و شهر شکل گرفته باشد. به عنوان مثال در میدان حسن آباد پیوستگی کالبدی هویتی خاص به آن داده است، در حالیکه در میدان آزادی، که فاقد بدنه مشخص است، بعد نمادین نقش اصلی را تعیین می‌کند. در مواردی از طریق معیارهای فعالیتی و اجتماعی فضا هویت خود را یافته است؛ نمونه بارز این نوع را می‌توان میدان انقلاب را نام برد که کف میدان و فعالیت‌های جاری آن وجه غالب است. و در بعضی فضاهای عمومی شهری، فضا نقش تعیین کننده دارد. به منظور ایجاد فضاهایی منجسم، شناخت نوع و ماهیت فضا از اهمیت زیادی برخوردار است. در عنصر خیابان، پیوستگی‌های کالبدی، فضایی، اجتماعی-فعالیتی و نمادین حائز اهمیت هستند. تاکید صرف بر یک بعد هر چند

به نحو مطلوب آن، منجر به ایجاد یک خیابان و محور شهری مطلوب نخواهد شد. نمونه‌های زیادی از این قبیل محورها و خیابان‌های شهری به دلیل تاکید بیش از حد بر پیوستگی کالبدی به چشم می‌خورد. شاید مشخص ترین و قابل اجماع-ترین نمونه، محور نواب است که از منظر پیوستگی و انسجام در تمامی ابعاد انتقادات جدی آن وارد است.

## منابع و مأخذ

اردلان، نادر؛ بختیار، لاله (۱۳۸۰) حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ،

انتشارات نشر خاک، چاپ اول، تهران.

اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۰) فرایند تولید و توسعه درون‌زا، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰، انتشارات دانشگاه تهران.

اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۱) مواجهه با مشکلات و توسعه درون‌زا، نشریه صفحه، شماره ۳۴، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهرید بهشتی، تهران. اسلامی، سید غلامرضا، ایروانی هوتن (۱۳۸۷) تراکم ساختمانی و توسعه درون‌زا نمونه موردی: شهر اصفهان، نشریه هویت شهر، شماره ۳، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

امین‌زاده، بهرام (۱۳۸۶) بازناسی اثر آئین‌های جمعی بر پیکره بندی شهر سنتی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، تهران، دانشگاه تهران، صص ۴-۵.

اهری، زهراء؛ حبیبی سید محسن (۱۳۸۰) مکتب اصفهان در شهرسازی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول، تهران.

بارت، رولان (۱۳۸۲) لذت متن، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز.

تولسلی، محمود (۱۳۷۶) اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، چاپ چهارم، مرکز مطالعات معماری و شهرسازی ایران.

حبیب، فرح (۱۳۸۵) کند و کاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، تهران، دانشگاه تهران. حبیب، فرح (۱۳۸۰) تحلیل شکل شهر معنا و معیار، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا ای ایران.

حمیدی، مليحه (۱۳۷۶) استخوان بندی شهر تهران، جلد اول، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران. دانشپور، سید عبدالهی؛ چرخیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۶، پژوهشکده نظر، تهران، صص ۱۹-۲۸.

زیمل، جورج (۱۳۷۲) کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف علی‌ابذری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۶، کاسپیر، ارنست (۱۳۷۸) فلسفه صورت‌های سمبیلیک،

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۲۷

- Cambridge, Mass: MIT press.
- Madani pour, A, (1992),"Design of Urban Space: An inquiry into a Socio-Spatial Process", Willey, West Sussex.
- Madnipour,Ali(2007), Designing the City of Reason, London, Rutledge Press.
- Osgood, Charles (1957), The Measurement of Meaning, university of Illinois, Us.
- Smith, peter. (1975), "Symbolic Meaning in Contemporary Cities", in Ekistics, 232.
- Trancik, R (1986), "Finding Lost Spaces", Van Nostrand Reinhold, New York,Urban Form and Design", PergamonPress, New York.

ترجمه یدالله موفق، چاپ اول، نشر هرمس، تهران.  
کریر، راب (۱۳۸۴) فضای شهری، ترجمه خسرو  
هاشمی نژاد، تهران نشر خاک.

یگانه، منصور و دیگران (۱۳۹۳) بررسی رابطه مکان  
مندی فضاهای عمومی شهری با ادارک پیوستگی  
ساختمان و شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۵  
صفحات ۹۹-۱۸۱.

یگانه، منصور و دیگران (۱۳۹۳) تبیین رابطه رفتار  
قلمروپایی شهر وندان با معیارها و میزان ادارک پیوستگی  
ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری، فصلنامه

هویت شهر، شماره ۱۹، صفحات ۱۸-۵.  
Canter, D. (1971), The Psychology of Place; London: the Architectural Press.

Islmai,S,GH.Reza, 1998, "Endogenous Development: A Model for the Process of Man-environment Transaction", Unpublished D.phil Dissertation, Edinburgh College of Art, Heriot Watt University, Edinburgh.

Lang, John, 1994, Urban Design: American Experience, Van Nostrand Reinhold Company  
Lynch, Kevin, 1960, the image of the city, Cambridge, Mass: MIT press.

Madani pour, A, (1992),"Design of Urban Space: An inquiry into a Socio-Spatial Process", Willey, West Sussex.

Trancik, R (1986), "Finding Lost Spaces", Van Nostrand Reinhold, New York.

Brolin, B.C(1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.

Hall, Edward, 1966, the Silent Language, Doubleday, Garden City, New York.

Hall, Edward, 1995, towards a general urban theory, in J Brotchie , M.Batty, E.Blakely, P.Hall and P.Newman, eds , Cities in Completion, Longman Australia, Melbourne.

Islmai,S,GH.Reza, 1998, "Endogenous Development: A Model for the Process of Man-environment Transaction", Unpublished D.phil Dissertation, Edinburgh College of Art, Heriot Watt University, Edinburgh.

King ,R. 1996, The Emancipating Space: Geography , Architecture &Urban Design. New York: The Gilford Press.

Lynch, Kevin, 1960, the image of the city,

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۲۸